

وقت نافله شب

محمد رحمانی*

نفیسه زروندی**

چکیده

نافله شب یکی از عباداتی است که در آیات و روایات ائمه معصومین علیهم السلام بر آن تأکید فراوانی شده است. سیره عملی معصومان علیهم السلام و سلف صالح نیز اصرار بر تداوم عملی بر آن بوده است. یکی از احکام این عبادت، که بسیاری از علاقه‌مندان را از انجام آن محروم کرده، وقت نماز شب است. از نظر مشهور فقیهان، ابتدای آن نیمه شب و انتهایش طلوع فجر صادق است. در میان فقیهان معاصر نیز، جز دو یا سه نفر، اکثریت آنان براساس نظر مشهور فتوا داده‌اند. این نوشته ضمن بررسی و نقد ادله قول مشهور، که در مجموع هفت مورد است، با ادله و قرائن و مؤیدات گوناگونی ثابت کرده وقت نماز شب از اول شب است؛ ولی نیمه شب به بعد وقت فضیلت است و هرچه به سحر و طلوع فجر نزدیک‌تر شود، از فضیلت بیشتری برخوردار است.

کلیدواژه‌گان: نافله شب، فضیلت، نیمه شب، طلوع فجر صادق.

mzarvandi2@gmail.com

nafisezarvandi@gmail.com

* دانشیار جامعه المصطفی العالمية

** دکتری دین پژوهی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۲۰

تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۱۰/۰۱

مقدمه

در میان تکالیف شرعی، دستورهای عبادی سرآمد هستند. به تعبیر ائمه معصومین علیهم السلام، از میان عبادات، نماز «قُرَّةُ عَیْنِی»، «قُرْبَانُ کُلِّ تَقِی» و نیز ملاک و معیار پذیرش یا رد اعمال دیگر و همچنین، نشانه شیعه بودن است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۱، ص ۲۳۳؛ همان، ج ۸۷، ص ۳۴۳؛ حر عاملی، ۱۴۱۰ق: ج ۸، ص ۱۱۶). از میان اقسام و انواع نمازها، نافله شب اکسیری است که مس وجودی هر مکلفی را به طلای ناب تبدیل می کند و آثار آن انکارناشدنی است؛ به گونه ای که سالکان بارگاه قدس ربوبی با آن ره هزارساله را یک شبه پیموده اند.

آیات، روایات و سیره عملی ائمه علیهم السلام و اهل معرفت بهترین گواه بر این مدعا است. در اینجا به شمه ای از آیات، روایات و سخنان اهل معرفت بر اهتمام و تداوم به نماز شب و جایگاه و تأثیر آن اشاره می شود:

خداوند متعال می فرماید: «وَمِنَ اللَّیْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ یَبْعَثَکَ رَبُّکَ مَقَامًا مَّحْمُودًا» (اسراء: ۷۹). پیام این آیه این است که رسیدن به مقام محمود و پسندیده نزد خدا از راه نافله شب فراهم می شود. امیر مؤمنان علیه السلام در توصیف نماز شب می فرماید: «خداوند فرموده است اگر اهل استغفار در سحرها نباشند، عذابم را بر اهل زمین نازل می کنم»^۱ (شیخ صدوق، ۱۹۹۴م: ج ۱، ص ۳۰۰، ح ۱۳۷۲). عارف واصل، مرحوم حاج میرزا جواد ملکی، استاد اخلاق حضرت امام علیه السلام بر این باور است که روایات وارد شده در فضیلت نماز شب در حد تواتر است (ملکی تبریزی، ۱۳۹۴: ص ۴۱۲). یکی از این روایات، فرموده امام صادق علیه السلام است: «کسی که نماز شب نمی خواند، از شیعیان ما نیست»^۲ (همان). پُر واضح است که نماز شب جز بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم واجب نیست تا تارک آن از عنوان شیعه بودن خارج شود. پس پیام روایت این است که شیعه کامل کسی است که نماز شبش ترک نمی شود.

نماز شب احکام و شرایطی دارد. یکی از شرایط، وقت خواندن آن است. مشهور

فقیهان فرموده‌اند: اول وقت خواندن این نماز، نیمه‌شب و آخر آن طلوع فجر صادق است. پُر واضح است که رعایت این وقت برای بسیاری از افراد، به‌ویژه جوانان، مشکل است. این نوشته در مقام این است که از نظر فقهی ثابت کند وقت نماز شب از اول شب شروع می‌شود و هرچه به سحر نزدیک‌تر شود، فضیلت آن بیشتر می‌شود.

۱. اقوال فقیهان

محقق یزدی، صاحب عروه، درباره وقت نماز شب می‌فرماید:

«وقت نافله اللیل ما بین نصفه و الفجر الثانی و الأفضل إتیانها فی وقت السحر و هو ثلث الأخییر من اللیل و أفضله القریب من الفجر» (طباطبائی یزدی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ص ۵۲۵، مسئله ۸): وقت نماز شب مابین نیمه‌شب و فجر دوم (طلوع فجر صادق) است و افضل خواندن آن در هنگام سحر است و سحر یک‌سوم آخر شب است و افضل از سحر نزدیک طلوع فجر است.

ایشان در مسئله بعد مواردی را از این قاعده استثنا می‌کند و می‌فرماید:

يجوز للمسافر و الشباب الذی یصعب علیه نافله الیل فی وقتها تقدیمها علی النصف و کذا کل ذی عذر کالشیخ و خائف البرد و الإحتلام و المریض (همان، مسئله ۸): برای مسافر و جوانی که برایش سخت است نافله شب را در وقتش بخواند، جایز است آن را بر نیمه‌شب مقدم بدارد (زودتر از نیمه‌شب بخواند) و همچنین، بر هر صاحب عذری [جایز است]، مانند فردی که پیر است یا از سرما و محتلم شدن می‌ترسد یا بیمار است.

حاشیه‌نویسان عروه، که بیش از چهل حاشیه آنها در چاپ مؤسسه السبطين بیت المقدس العالمية جمع‌آوری شده (به جز آیت‌الله سیستانی)، مدعای صاحب عروه را پذیرفته‌اند. همچنین، مشهور و حتی تقریباً همه فقیهان گذشته و معاصر اصل این حکم را

پذیرفته‌اند که ابتدای وقت نافله شب نیمه شب است.

حضرت امام علیه السلام نیز می‌فرماید: «وقت نافله شب از نیمه شب است تا اذان صبح، و بهتر است نزدیک اذان صبح خوانده شود» (بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۴۲۹، مسئله ۷۷۳). فقط دو نفر از دوازده مرجع تقلید معاصر، که فتوای آنها در ضمن توضیح المسائل حضرت امام علیه السلام جمع‌آوری شده، در این مسئله با ایشان مخالف‌اند:

الف. آیت‌الله سیستانی می‌فرماید: «اول وقت نافله شب، بنابر مشهور، نصف شب است و این گرچه احوط و بهتر است، ولی بعید نیست از اول شب باشد و تا اذان صبح وقتش ادامه دارد و بهتر آن است نزدیک اذان صبح خوانده شود» (همان).

ب. آیت‌الله مکارم می‌فرماید: «وقت نافله شب بنابر احتیاط از نصف شب است تا اذان صبح، ولی بهتر است در موقع سحر یعنی ثلث آخر شب بخواند» (همان).

همچنین، آیت‌الله وحید می‌فرماید:

«و لا یبعد أن یکون وقتها فیما بین أول اللیل إلى طلوع الفجر الصادق إلا أن الأحوط و الأفضل إتیانها بعد انتصاف اللیل، و الأفضل منه إتیانها فی الثلث الأخير» (خوئی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۱۴۸، مسئله ۵۰۶): دور نیست وقت نافله شب میان اول شب تا طلوع فجر صادق باشد؛ ولی احوط و بهتر، آوردن آن بعد از نیمه شب است و بهتر از آن ثلث پایانی شب است.

بنابراین، ملاحظه می‌شود که اکثر قریب به اتفاق مراجع، وقت نافله شب را از نیمه شب به بعد می‌دانند.

۲. ادله قول مشهور

۱-۲. اجماع

برخی از فقیهان (حکیم، بی‌تا: ج ۵، ص ۱۱۳؛ صاحب جواهر، ۱۳۶۲: ج ۷، ص ۳۱۲) بر قول

مشهور، یعنی آغاز وقت نافله شب از نیمه شب، ادعای اجماع کرده اند و آن را به افرادی مانند شیخ طوسی (۱۴۱۱ق: ج ۱، ص ۵۳۳)، علامه حلی (۱۳۸۴: ج ۱، ص ۲۰۸)، سید مرتضی (۱۴۱۷ق: ص ۲۰۳) و سید عاملی (۱۴۲۹ق: ج ۳، ص ۷۶) نسبت داده اند.

۲-۱-۱. نقد و بررسی

به نظر می رسد ادعای اجماع در این مسئله از جهاتی ناتمام باشد، چون:

نخست: اشکال صغروی دارد، زیرا دو قول دیگر نیز در مسئله وجود دارد:

الف. عده ای از فقیهان بر این باورند که وقت آن فقط ثلث آخر شب است، از جمله

شیخ صدوق (۱۴۱۸ق: ص ۱۴۹)؛

ب. برخی نیز وقت آن را از اول شب می دانند؛ مثلاً آیت الله خوئی هنگام نقل اقوال

می فرماید: «و قیل اوله» (۱۴۲۶ق: ج ۱۱، ص ۲۶۳). در ادامه این نوشته به این قول پرداخته خواهد شد.

دوم: اشکال کبروی دارد؛ زیرا اگر نگوییم اجماع قطعاً مدرکی است، دست کم

محتمل المدرکی است و کاشف از قول معصوم علیه السلام نیست؛ پس حجت نیست، زیرا به احتمال قوی، مدرک فتوای فقیهان روایات است.

سوم: بر فرض تنزل از این دو اشکال، مقصود مدعیان اجماع چیست؟ ممکن

است مقصود این باشد که درباره جواز خواندن نافله شب پس از نیمه شب اجماع هست؛ این مطلب هر چند امری است قطعی و مسلم، به مدعای آنها (ابتدای وقت نافله شب، اول نیمه شب است و پیش از آن خواندن آن جایز نیست) ربطی ندارد. همچنین، ممکن است مقصود چنین باشد: بر اینکه اول وقت همان اول نیمه شب است (و لازمه آن هم جایز نبودن خواندن نافله پیش از نیمه شب است)، اجماع قائم شده است. این مطلب هم ناتمام است، زیرا کسی از مدعیان اجماع چنین ادعایی نکرده اند.

چهارم: بعضی از کسانی که ادعای اجماع به آنها نسبت داده شده، متعرض وقت نافله شب نشده‌اند؛ چه برسد به ادعای اجماع بر اینکه وقت آن نیمه‌شب است: مثلاً صاحب مدارک، در کتاب خود، بحث نافله شب را مطرح کرده است. ولی بحثی از وقت به میان نیاورده است (ر.ک: عاملی، ۱۴۲۹ق: ج ۳، ص ۱۷-۳۱)؛ همچنین، علامه، در منتهی، اساساً درباره وقت نافله شب سخنی نگفته تا بر اینکه وقت آن از نیمه‌شب آغاز می‌شود، ادعای اجماع کند (علامه حلی، ۱۳۸۴: ج ۱۹، ص ۱۹).

۲-۲. روایات

دومین و مهم‌ترین دلیل بر این مدعا روایات است:

۲-۲-۱. نخست

امام باقر علیه السلام فرموده‌اند: «وقت نماز شب بین نیمه‌شب است»^۳ (حر عاملی، ۱۴۱۰ق: ج ۴، ص ۲۴۸، ح ۲).

این روایت از نظر دلالت در مدعای مشهور صراحت دارد، ولی از نظر سند اشکال دارد، چون مرسله است.

۲-۲-۲. دوم

به دلالت طایفه‌ای از روایات، معصومان علیهم السلام مقید بوده‌اند نافله شب را بعد از نیمه‌شب بخوانند. برای نمونه به صحیح ابن‌اذینه^۴ می‌توان اشاره کرد:

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «علی علیه السلام همیشه نمازهای روزانه را بعد از زوال شمس و نماز نافله شب را بعد از خواندن نماز عشا و پس از نیمه‌شب می‌خواندند» (حر عاملی، ۱۴۱۰ق: ج ۴، ص ۲۳۰، ح ۵).

شاهد بر این مدعا این است: حتی یک نمونه گزارش نشده که آن حضرت علیه السلام نماز شب را قبل از نیمه‌شب بخوانند و چون این مسئله میان مردم فراگیر بوده است، «لو

کان، لبان»؛ اگر ائمه علیهم السلام نافله شب را قبل از نیمه شب می خواندند، گزارش شده بود.

در پاسخ به این مدعا می توان گفت:

الف. این اشکال در صغرا وارد است: گزارش نشدن و نرسیدن به دست ما اعم است از اینکه آنان چنین کاری نکرده اند؛ زیرا چه بسا مورد یا مواردی وجود داشته ولی به دست ما نرسیده و در طول تاریخ ضایع شده است.

ب. بر فرض تنزل از اشکال نخست، آنان مقید بوده اند که فرد افضل را انجام دهند و بی گمان، بهترین وقت برای خواندن نماز شب، سحر و نزدیک طلوع فجر است. شاهد بر این مطلب این است که در هیچ منبعی گزارش نشده یکی از معصومان علیهم السلام، حتی رسول خدا صلی الله علیه و آله، نماز ظهر را قبل از غروب خورشید بخوانند؛ در حالی که این عمل جایز است. پس نماز شب نخواندن ائمه علیهم السلام قبل از نیمه شب، دلیل نمی شود که وقت آن پیش از نیمه شب نباشد؛ به عبارت دیگر، دلیل اعم از مدعا است.

۲-۲-۳. سوم

طایفه ای از روایات بر این دلالت دارند که برای معذوران (مثلاً بیمار، مسافر، جوان و خائف از محتلم شدن) و در شب های کوتاه تابستان جایز است نماز شب قبل از نیمه شب خوانده شود. اگر ابتدای وقت نماز شب نیمه شب نباشد و پیش از آن هم خواندن نماز جایز باشد، صدور این روایات لغو است. این روایات متعددند، مانند صحیح لیت مرادی^۵ (حر عاملی، ۱۴۱۰ق: ج ۴، ص ۲۴۹، ح ۱) و صحیح یعقوب بن سالم^۶ (همان: ص ۲۵۲، ح ۱۰).

در پاسخ به این مدعا می توان گفت:

الف. اگر گفته می شود که وقت نماز شب در موارد ذکر شده پیش از نیمه شب است، بدان معناست که خواندن نافله قبل از نیمه شب مرجوح و مکروه است و بعد از

نیمه‌شب مرجوح و مکروه نیست. تخصیص این افراد نیز با درنظر گرفتن همین مرجوحیت و کراهت است، نه اینکه جایز نباشد. بنابراین، ثمره فقهی این تخصیص این است که تقدیم نماز شب پیش از نیمه‌شب برای همه مکروه و مرجوح است، مگر برای معذوران؛ پس تخصیص لغو نخواهد بود.

ب. می‌توان گفت تخصیص با درنظر گرفتن این است که وقت فضیلت برای همه مکلفان بعد از نیمه‌شب و نزدیک سحر است؛ مگر برای این گروه‌ها که تخصیص خورده‌اند. نتیجه این مطلب، توسعه در وقت فضیلت است.

ج. ممکن است گفته شود صحیحۀ نخست از باب توسعه در وقت بر جواز تقدیم دلالت دارد، نه از باب تعجیل در وقت؛ زیرا ظاهر عبارت «نعم ما رأیت و نعم ما صنعت» چنین است: در موضوع روایت، تقدیم افضل از قضای نماز شب است. گواه این سخن اینکه، امام علیه السلام آن را مدح کرده است. همچنین، صحیحۀ دوم در توسعه در وقت ظهور دارد؛ زیرا در موضوع این صحیحه، امر دائر است میان رعایت شرط وقت و شرط طهارت آبی. پُر واضح است رعایت شرط وقت بر رعایت شرط طهارت مقدم است؛ پس در هر دو صورت، نماز شب در وقت خوانده شده و اداء هم هست.

۲-۲-۴. چهارم

روایت محمد بن مسلم:^۷

از امام علیه السلام پرسیدم مردی آخر شب بیدار نمی‌شود و تا ده تا پانزده روز بر این شکل بر او می‌گذرد؛ نماز شب را اول شب بخواند از نظر شما بهتر است یا آن را قضا کند؟ آن حضرت علیه السلام فرمود: «به نظر من بهتر است قضا کند، زیرا من دوست ندارم این روش عادت شود» و زراره همیشه می‌فرمود: «چگونه نماز شب را پیش از نیمه‌شب بخواند، در حالی که وقت آن داخل نشده؟ زیرا وقت آن نیمه‌شب است» (حر عاملی، ۱۴۱۰ق:

ج ۴، ص ۲۵۶، ح ۷).

دلالت روایت بر مدعا تمام است، زیرا ذیل روایت در این صراحت دارد که وقت نماز شب نیمه شب به بعد است و قبل از آن وقت داخل نشده است.

در پاسخ به این مدعا می توان گفت:

الف. این روایت ضعف سند دارد، چون محمد بن سنان در سند هست.

ب. بر فرض، از اشکال سندی چشم پوشی و گفته شود تضعیف محمد بن سنان از باب نسبت غلو است و کسانی این نسبت را به محمد بن سنان داده اند که به فضائل ائمه علیهم السلام معرفت کامل نداشته اند؛ با این وصف، استدلال به ذیل این روایت ناتمام است؛ زیرا در آن کلام زراره آمده است نه امام علیه السلام. پس نمی توان به آن استدلال کرد.

۲-۲-۵. روایت پنجم

موتقه زراره:^۱

امام باقر علیه السلام فرموده است: «همانا بر شماست هرگاه شب به نیمه رسید، به پا خیزید و سیزده رکعت نماز بخوانید» (همان: ج ۶، ص ۴۹۵، ح ۲).

درباره تقریر دلالت باید گفت مفهوم جمله «إنما علی أحدکم» چنین است: جایز نیست پیش از نیمه شب نماز شب خوانده شود.

ممکن است گفته شود نسبت میان روایات دال بر اینکه وقت نماز شب اول شب است با مفهوم این روایت، اطلاق و تقیید است؛ از سوی دیگر، چون هردو اثباتی اند، مفهوم این روایت بر افضل افراد حمل می شود. در پاسخ به این اشکال باید گفت: هردو اثباتی نیستند، بلکه مدلول روایات مطلقه جواز اقامه نافله شب در اول شب است و مدلول مفهوم این روایت جایز نبودن؛ پس باید قاعده اصولی تقیید مطلق به مقید اجرا شود و مفهوم این روایت مقدم می شود، زیرا از مدلول روایات مطلقه اخص است. نتیجه این می شود که به مقتضای مفهوم این روایت، وقت نافله شب پس از نیمه شب است.

این استدلال یکی از مواردی است که آیت‌الله خوئی بر اساس آن معتقد شده است وقت نافله شب از نیمه شب شروع می‌شود. وی می‌فرماید: «و لم أر من استدل بها فی المقام»: کسی را ندیده‌ام که به آن استدلال کرده باشد (خوئی، ۱۴۲۶ق: ج ۱، ص ۲۶۵).

ولی به نظر می‌رسد این استدلال نیز ناتمام باشد، زیرا از مجموع روایات قرائنی به دست می‌آید که نشان می‌دهد باید مدلول موثقه زراره را بر وقت فضیلت حمل کنیم؛ به این معنا که وقت نماز شب از اول شب است، ولی افضل نیمه شب به بعد است و هرچه به سحر و طلوع فجر نزدیک‌تر شود، بهتر است. از شواهد دال بر این مدعا عبارت‌اند از:

الف. موثقه سماعه از امام صادق علیه السلام که فرموده است: ^۹ «ایرادی ندارد که نماز شب ابتدای شب خوانده شود یا آخر آن؛ البته، افضل بعد از نیمه شب است» (حرعاملی، ۱۴۱۰ق: ج ۴، ص ۲۵۲، ح ۹).

این روایت در این صراحت دارد که وقت نافله شب از اول شب است و نیمه شب وقت فضیلت است، نه وقت به جا آوردن نماز شب. بنابراین، مفهوم موثقه این روایت با منطوق ادله‌ای تعارض ندارند که دلالتشان این است که وقت نماز شب اول شب است و نیمه شب به بعد وقت فضیلت است. در نتیجه، روایات مطلق، از باب اطلاق و تقیید، مقید نخواهند شد.

ب. فضل بن شاذان از امام رضا علیه السلام گزارش می‌کند: ^{۱۰}

«همانا برای مسافر (به سبب گرفتاری اش) و بیمار (به دلیل ضعفش) جایز است که نماز شب را در اول شب بخواند تا فیض نماز را درک کند؛ سپس بیمار در وقت استراحت به استراحت پردازد و مسافر به کارهایش و [امور مربوط به] جابه‌جایی و سفرش مشغول شود» (همان: ص ۲۵۰، ح ۳).

هرچند این روایت دربارهٔ مسافر و بیمار است و دلالت دارد که نماز شب در اول شب جایز است، تعلیل ذیل روایت این حکم را تعمیم می‌دهد؛ پس از باب قاعدهٔ «العله تعمّم»، جواز خواندن نماز شب در غیرمسافر و بیمار هم جاری است.

چنین اشکالی بر این روایت وارد می‌شود: این روایت از نظر سند ضعیف است، زیرا سند شیخ صدوق به فضل بن شاذان ضعیف است؛ از این رو، روایت مؤید است.

ج. روایاتی بر این دلالت دارند که نافله همانند هدیه است؛ هرگاه آورده شود، پذیرفته می‌شود. برای نمونه:

روایت عمر بن یزید از امام صادق علیه السلام که ایشان فرموده‌اند: «بدان همانا نماز نافله (یکی از نوافل شب) همانند هدیه است؛ هرگاه آورده شود، پذیرفته می‌شود.»^{۱۱} (همان: ص ۲۳۲، ح ۳).

چنین اشکالی بر این روایت وارد می‌شود: به اطلاق این روایت نمی‌شود عمل کرد، زیرا واضح است که صحیح نیست نافلهٔ شب در روز به قصد ادا خوانده شود. در پاسخ باید گفت: چون موضوع روایت نافلهٔ شب است، پس روز از آن خارج می‌شود؛ بنابراین، دلالت روایت بر مدعا تمام است.

اشکال دیگر آنکه، سند روایت ضعیف است؛ چون افرادی مانند سهل بن زیاد و محمد بن عزافر در آن هستند؛ بنابراین روایت مؤید است.

د. روایاتی بر این دلالت دارند که نماز شب همانند صدقه است؛ پس تقدیم و تأخیر آن جایز است. برای نمونه:

در روایتی عبدالله بن حسن از موسی بن جعفر علیه السلام چنین نقل می‌کند: «نمازهای نافله همانند صدقه است. به هر مقدار بخواهید، می‌توانید مقدّم بدارید»^{۱۲} (همان: ص ۲۳۴، ح ۹).

این روایت، همانند روایت چهارم، از نظر سند ضعیف است؛ چون عبدالله بن حسن توثیق ندارد. از این رو، مؤید است.

در نتیجه، این چهار مطلب دلیل یا دست کم قرینه‌ای هستند بر اینکه مفهوم موثقه حمل شود بر اینکه نماز شب بعد از نیمه‌شب افضل است و وقت آن اول شب است.

۲-۲-۶. روایت ششم

بنابر دلالت طایفه‌ای از روایات، در دوران امر بین اینکه نافله شب در اول وقت خوانده شود یا بعد از وقت قضا شود، قضا شدن مقدم است بر اینکه نماز شب قبل از نیمه‌شب خوانده شود؛ برای نمونه به صحیحہ معاویة بن وهب می‌توان اشاره کرد:

امام صادق علیه السلام در پاسخ به یکی از محبان و صالحانی که از بیدار نشدن از خواب برای نماز شب شکوه کرده بود، فرمودند: «اجازه ندارد نماز شب را در اول شب بخواند.» بلکه فرمودند: «قضا کردن آن در روز افضل است از اینکه قبل از نیمه‌شب خوانده شود.»^{۱۳} (همان: ص ۲۵۵، ح ۱ و ۲).

آیت‌الله خوئی می‌فرماید: این روایت و امثال آن دلالت دارد که اول وقت نماز شب، اول شب نیست، بلکه نیمه‌شب است؛ زیرا اگر وقت نماز اول شب باشد، وجهی ندارد که خواندن آن در خارج از وقت از خواندن در وقت خود افضل باشد؛ چون تقدیم قضا بر ادا با اینکه شارع برای نماز شب وقت تعیین کند، منافات دارد. با این وصف، قضا از ادا افضل است.

خود ایشان در پاسخ به این ایراد می‌فرماید: برتر بودن قضا از تقدیم نماز شب قبل از نیمه‌شب بر این اساس است که تقدیم از باب تعجیل در وقت است، نه توسعه در وقت (خوئی، ۱۴۲۶ق: ج ۱۱، ص ۲۹۳). ایشان در ذیل مسئله ۱۰ عروة - که سید بر رجحان قضای نماز شب بر تقدیم آن فتوا می‌دهد - بر نیمه‌شب تصریح می‌کند و می‌فرماید:

«انّ هذا علی إطلاقه لا یستقیم بل ینبغی التفصیل بین ما کان التقدیم فیه من باب التعجیل و بین ما کان من باب التوسعه فی الوقت»:

اطلاق کلام سید ناتمام است؛ بلکه سزاوار تفصیل است میان اینکه تقدیم از باب تعجیل در وقت است یا توسعه در وقت.

وی همچنین در جای دیگری (همان، ص ۲۸۶) چنین تصریح می‌کند: مدلول روایات این است که تقدیم نماز شب بر نیمه‌شب برای معذوران (به‌جز جوانان) از باب توسعه در وقت است. در نتیجه، تقدیم نماز شب بر نیمه‌شب برای معذوران (به‌جز جوانان) بر قضای آن ارجح است. پس این دلیل اخص از مدعا است.

در این میان، اشکال دیگری هم مطرح می‌شود: بنابر دلالت روایات، فقط در موارد ویژه‌ای، مانند مسافر، خائف از جنابت و جاریه در شب‌های کوتاه می‌توانند نماز شب را مقدم بدانند، نه مطلقاً. پس در نتیجه، نمی‌توان از این روایات این‌گونه برداشت کرد که تقدیم برای مطلق معذوران، از باب توسعه در وقت، جایز است. آیت‌الله خوئی در جواب می‌فرماید:

«مدفوعة بأنَّ التقدیم فی تلک الموارد ما عدا الجاریة ائماً هو فی باب التوسعة كما سبق»: این اشکال دفع می‌شود به اینکه روایات دال است بر اینکه جواز تقدیم در این موارد (جز در جاریه) از باب توسعه است.

بنابراین، به عقیده ایشان هم اول شب برای همه معذوران (مطلقاً) وقت ادای نافله شب است؛ البته، به‌جز جوانان، که تقدیم در مورد آنها از باب تعجیل در وقت است نه توسعه.

از سوی دیگر، طبق مبنای ایشان، یعنی انقلاب نسبت، استدلال به این روایت صحیح است. در توضیح باید گفت، ما سه دسته از روایات داریم: ۱. روایاتی که دلالت دارند وقت نافله شب اول شب است؛ ۲. روایاتی که دلالت دارند وقت نافله شب نیمه‌شب است (نسبت این دو دسته، تباین و تعارض است)؛ ۳. دسته‌ای که دلالت دارند وقت خواندن نافله شب برای معذوران، اول شب و برای غیرمعذوران، نیمه‌شب است.



آیت‌الله خوئی می‌فرماید: دسته سوم دسته دوم را قید می‌زند و در نتیجه، وقت نماز شب برای همه (به جز معذوران) نیمه‌شب است. پس از تقیید، نسبت دسته نخست و دوم از تباین به عموم و خصوص منقلب می‌شود. دسته دوم خاص است و طایفه نخست را - که دلالت دارد وقت مطلقاً (چه برای معذور و چه برای غیرمعذور) اول شب است - تخصیص می‌زند. نتیجه‌ای که حاصل می‌شود این است که وقت نافله شب نیمه‌شب است، مگر برای معذوران.

باوجود این، اگر انقلاب نسبت انکار شود، جمع عرفی میان دسته نخست و دوم ممکن نیست؛ چون نسبت تباین است و تعارض ایجاد می‌شود، و چون مرجحی نسبت به دسته دوم وجود ندارد، تساقط می‌کنند. بنابراین، مرجع اطلاعات ادله نوافل می‌شود (که مقید به قید زمان نیست) و اگر نوبت به شک برسد، برائت نسبت به شرطیت نیمه‌شب برای نماز شب جاری می‌شود. نتیجه اینکه، وقت نافله شب از اول شب است.

برخی از فقیهان، از جمله محقق داماد، در تعارض دسته نخست و دوم، دسته دوم را مقدم می‌دارند (با اینکه جمع عرفی را قبول دارند): مبنی بر اینکه دسته دوم حمل بر افضل افراد می‌شود. ایشان از این جمع عرفی رفع ید کرده‌اند؛ چون نتیجه‌اش (یعنی اینکه وقت نماز شب از اول شب باشد) مخالف اجماع است و از این رو، روایات دسته نخست را بر تقیه حمل کرده‌اند، چون موافق عامه است (جوادی آملی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۱۳۲). البته، این فرمایش صحیح نیست؛ چون پیش از این، اجماعی بودن اینکه وقت نماز شب نیمه‌شب است، از جهاتی مورد اشکال واقع شد: از جمله اینکه، اگر اجماع مدرکی نباشد، قطعاً محتمل‌المدرکی است.

در نتیجه، هیچ‌یک از ادله قول مشهور تمام نیست.

ممکن است چنین اشکالی وارد شود که مجموع روایات طوائف شش‌گانه مردود نیست؛ فی‌الجمله برخی از آنها بر این دلالت دارند که وقت نافله شب نیمه‌شب به بعد

است. بنابراین میان دسته نخست روایات (که دال است بر قول مشهور) و دسته دوم (که دال است بر توسعه وقت نافله شب از ابتدای شب) تعارض ایجاد می‌شود. پس باید سراغ جمع دلّالی برویم.

برخی از بزرگان، از جمله آیت‌الله تبریزی، در مقام جمع دلّالی، روایات دسته دوم را بر این حمل کرده‌اند که بر جواز تعجیل در وقت نماز شب در صورت عذر دلالت دارد؛ به جز در چند گروه، از جمله مسافران، کهنسالان و بیماران و همچنین، جوانانی که بیدار شدن برای آنان دشوار است و کسانی که از جنب شدن و سرما ترس دارند؛ روایات دسته دوم برای این افراد بر تعجیل و توسعه دلالت دارد. (تبریزی، ۱۴۳۱ق: ج ۱، ص ۲۹۳). نتیجه این است که وقت نماز شب نیمه‌شب است، مگر برای افرادی که ذکر شد.

به نظر می‌رسد این مطلب صحیح نباشد، زیرا:

نخست: هریک از طوائف شش‌گانه بررسی و نقد شد؛ پس جایی برای این اشکال باقی نمی‌ماند، زیرا مجموع از طوائف شش‌گانه جدا نیست.

دوم: اگر نگوییم صحیحه لیث مرادی و نیز صحیحه یعقوب‌بن‌سالم - که در طایفه سوم ذکر شدند - در توسعه وقت صراحت دارند، دست کم در آن ظهور دارند. برخی از فقیهان معاصر، از جمله آیت‌الله خوئی، نیز می‌پذیرند که این روایت‌ها در مقام توسعه در وقت‌اند (خوئی، ۱۴۲۶ق: ج ۱، ص ۲۸۶).

اشکالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که این روایات بر توسعه وقت در موارد خاص (که در روایت ذکر شده است مثل شب‌های کوتاه، مسافر، ترس از جنابت و سرما) دلالت دارند و در غیر این موارد توسعه در وقت داده نشده است. پس در دوران امر میان تقدیم و تأخیر، دومی از باب قضا افضل است (تبریزی، همان).

در پاسخ باید گفت: نخست اینکه، پیش از این، پاسخ این اشکال در ذیل طایفه ششم به تفصیل گذشت. یکی از پاسخ‌ها این بود: بر مبنای انقلاب نسبت (که

مستشکل نیز قائل است) نتیجه این است که وقت نماز شب برای همه مکلفان اول شب است. دوم اینکه، جمع عرفی مستشکل به اینکه دسته دوم را بر تعجیل حمل کنیم، صحیح نیست؛ بلکه مقتضای جمع عرفی این است که دسته نخست را بر افضل افراد حمل کنیم و دسته دوم را هم بر توسعه در وقت. این جمع را برخی از بزرگان نیز پذیرفته‌اند، از جمله محقق داماد (جوادی آملی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۱۳۲).

۲-۳. شهرت

ممکن است گفته شود شهرت بر آن است که وقت نافله شب از نیمه شب شروع می‌شود. در پاسخ باید گفت: اگر مقصود از شهرت، شهرت روایی باشد، در موضوع بحث ارزش ندارد؛ زیرا کاربرد شهرت روایی در جایی است که روایان حدیث ضعیف باشند و برای جبران ضعف سند به شهرت تمسک کنیم. در موضوع بحث، بیشتر روایات مورد استدلال، از نظر سند مشکلی ندارند؛ پس شهرت روایی کاربردی ندارد. اگر هم مقصود از شهرت، فتوایی قدما باشد، دو ایراد وارد است:

نخست آنکه، بسیاری از فقیهان معاصر شهرت فتوایی را حجت نمی‌دانند. یکی از این فقیهان، آیت الله خوئی است که این نوشته هم بیشتر ناظر به فرموده‌های ایشان است.

دوم آنکه، شهرت فتوایی قدما، بر فرض حجیت، مشروط به این است که مستند فتوا معلوم نباشد تا از دلیلی کاشف باشد که اگر به ما می‌رسید، برایمان حجت بود. در موضوع بحث، شهرت فتوایی کاشف از چنین دلیلی نیست؛ زیرا معلوم است که مستند صاحبان فتوا همان روایات است و روایات هم یا از نظر سند اشکال دارند یا از نظر دلالت.

۳. ادله قائلان به توسعه

تا اینجا، ادله قائلان به آغاز وقت نماز شب از نیمه شب بیان شد. این ادله مجموعاً شش طایفه از روایات و اجماع بودند. هریک از این ادله بررسی و رد شدند. در مقابل

قول مشهور، ادعا شده است که وقت نافله شب از اول شب آغاز می‌شود. بنابر نظر طرفداران این ادعا، ادله‌ای بر آن دلالت دارد؛ برای نمونه:

۱-۳. قرآن

﴿يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ * قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ (مزمّل: ۱-۲): «ای جامه‌به‌خودپوشیده! شب را به‌پا خیز، مگر کمی».

این آیات بر این دلالت دارند که وقت نماز شب «لیل» است. دلیل نسبت به اول شب یا نیمه‌شب اطلاق دارد؛ زیرا زمان نماز شب لیل است؛ پس شامل اول شب نیز می‌شود.

در اینجا دو إشکال پدید می‌آید:

نخست اینکه، ممکن است گفته شود این آیات در مقام بیان وقت نماز شب نیستند؛ پس اطلاق ندارند. در پاسخ باید گفت: این ادعا بلا دلیل است، چون این آیات در مقام تشریح‌اند.

دوم اینکه، بر فرض پذیرش اطلاق، طبق قواعد اصولی، اطلاق به ادله‌ای مقید می‌شود که بر این دلالت دارند که وقت نماز شب از نیمه‌شب است. برای نمونه به شش طایفه از روایات (که در شماره‌های پیشین ذکر شدند) می‌توان اشاره کرد که وقت نافله شب را نیمه‌شب دانسته‌اند. در پاسخ به این إشکال هم باید گفت: از سویی، قاعده تقیید اطلاق به مقید در موضوع بحث جاری نیست، زیرا در اینجا از احکام ترخیصی بحث می‌شود نه الزامی؛ از سوی دیگر، در دلالت هر یک از این روایات خدشه وارد شد.

۲-۳. موثقه سماعه

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «نماز شب در اول شب و آخر شب بی‌اشکال است، ولی بعد از نیمه‌شب افضل است» (حر عاملی، ۱۴۱۰ق:

ص ۲۵۲، ح ۴).^{۱۴}

دلالت روایت بر مدعا صریح و تمام است و از نظر سند مشکلی ندارد و چون سماعه واقفی است، از آن به موثقه تعبیر شده است.

۳-۳. معتبره محمد بن عیسی

از امام جواد علیه السلام پرسیده شد: روایت شده که جد شما فرموده است اشکالی ندارد مرد نماز شبش را در اول وقت بخواند. ایشان در پاسخ نوشتند: «در هر وقتی بخواند، جایز است، ان شاء الله» (همان، ص ۲۵۳).^{۱۵}

این روایت از نظر سند بی اشکال است، زیرا محمد بن عیسی پدر احمد بن عیسی و از رجال کتاب کامل الزیارات است. در این صورت، توثیق عام دارد و روایت صحیحه است. اگر این مطلب پذیرفته نشود، عالمان رجال او را از طرفی شیخ قمی‌ها و از طرفی وجه اشعری‌ها دانسته‌اند؛ پس حدیث حسنه است (خوئی، ۱۴۲۶ق: ج ۱۱، ص ۲۶۶).

اشکالی که در اینجا وارد می‌شود این است که این روایت نسبت به صاحبان عذر و غیر عذر مطلق است؛ پس به مفهوم موثقه زراه (که دلالت داشت وقت نافله شب از نیمه شب است) مقید می‌شود و این روایت فقط بر زودتر نماز خواندن صاحبان عذر حمل می‌شود. در نتیجه، وقت برای غیر صاحبان عذر همان نیمه شب است. در پاسخ به این اشکال چنین می‌توان گفت: پیش از این ثابت شد مفهوم موثقه زراه بر افضل افراد حمل شد و بر حصر وقت به نیمه شب دلالت ندارد؛ پس نمی‌تواند مقیدکننده روایاتی باشد که بر این دلالت دارند که وقت نماز شب اول شب است.

۳-۴. روایت حسین بن علی بن بلال

حسین بن علی بن بلال می‌گوید: درباره وقت نماز شب به امام علیه السلام [نامه‌ای] نوشتم. حضرت در پاسخ نوشتند: «هنگام زوال (زوال شب که همان نیمه شب است) افضل است؛ پس اگر نیمه شب فوت شد، اول یا آخر شب نیز جایز است.»^{۱۶} (همان، ح ۱۳)

دلالت روایت صریح است در اینکه نیمه‌شب افضل اوقات نافله شب است، نه اینکه اول وقت باشد.

از نظر سند، ممکن است گفته شود حسین بن بلال در کتاب‌های رجالی توثیق نشده است؛ پس روایت ضعیف است و از اعتبار ساقط است. در پاسخ به این ایراد باید گفت: ابراهیم بن مهزیار، که روایت را از او نقل می‌کند، از رجال کتاب کامل‌الزیارات است؛ پس طبق مبنای اینکه توثیق عام کامل‌الزیارات، شامل مشایخ با واسطه هم می‌شود، این مورد را نیز شامل می‌شود.

۳-۵. صحیحہ یعقوب بن سالم

محقق همدانی می‌فرماید: روایاتی بر این دلالت دارد که هرکس می‌ترسد در شب جنب شود، می‌تواند نماز شب را اول شب بخواند، از جمله صحیحہ یعقوب بن سالم:

یعقوب بن سالم می‌گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا مردی که در مسافرت یا هوای سرد از جنابت می‌ترسد، جایز است نماز شب و نماز وتر را در اول شب بخواند؟ حضرت در پاسخ فرمودند: «بله، جایز است.»^{۱۷} (همان، ص ۲۵۲، ح ۱۰)

ایشان می‌فرماید این روایت بر این دلالت دارد که وقت نماز شب اول شب است.

به‌منظور تقریب دلالت بر مدعا باید گفت: مقتضای قاعده این است که اگر کسی در وقت نافله از غسل کردن معذور باشد، طهارت آبی به طهارت خاکی (تیمم) تبدیل می‌شود. این قاعده، همان‌گونه که در اوقات نمازهای واجب جاری است، در اوقات نمازهای مستحبی نیز جریان دارد؛ یعنی اگر شخصی از اول طلوع فجر محتلم شود و تا طلوع آفتاب توانایی غسل نداشته باشد، وظیفه‌اش تیمم است. همچنین در مورد نمازهای مستحب (از جمله نماز شب) اگر وقت از اول نیمه‌شب تا طلوع فجر باشد و شخص هم محتلم باشد، وظیفه‌اش تیمم است نه تقدیم نماز شب بر وقت؛ زیرا



خواندن نماز در وقت با تیمم ترجیح دارد بر خواندن نماز با وضو در خارج از وقت. بنابراین عاجز شدن از نماز با غسل در وقت، مجوزی برای این نیست که نماز در خارج وقت خوانده شود؛ هرچند با غسل و وضو همراه باشد.

جواز تقدیم نماز شب (در صورت خوف از جنابت) بر وقت، شاهد است بر اینکه وقت از اول شب است. باوجود این، افضل نیمه شب است.

۳-۶. روایت ششم

از امام صادق علیه السلام درباره وقت نماز شب چنین پرسیده شد: آیا آن را اول شب بخوانیم؟ حضرت فرمودند: «بله. خودم نیز اول شب می خوانم و اگر در سفر باشم و شتربان عجله کند، نماز شب را در محمل می خوانم.»^{۱۸} (همان، ح ۱۱)

این روایت نیز صریح است در اینکه وقت نماز شب اول شب است؛ به ویژه که امام علیه السلام تصریح می کنند که خودشان نیز آن را در اول وقت می خوانند.

ممکن است گفته شود: به قرینه «فإذا عجلنی»، روایت درباره مسافر است. در پاسخ گفته می شود: بر فرض اینکه درباره مسافر باشد، روایت بر توسعه وقت برای مسافر دلالت دارد.

۳-۷. صحیحۀ لیث

از امام صادق علیه السلام درباره خواندن نماز شب در آغاز شب های کوتاه تابستان پرسیدم. حضرت فرمودند: «بله. اشکال ندارد. کار خوبی انجام می دهی.»^{۱۹} (همان: ص ۲۵۴، ح ۱۶)

۳-۸. نتیجه

پس از رد ادله قائلان به اختصاص وقت نافله به نیمه شب، هفت روایت گزارش شد.

بنابر دلالت هریک از آن روایات، وقت نماز شب اول شب است و نیمه شب وقت فضیلت است. همچنین، بر فرض اینکه روایات تعارض و تساقط کنند و اگر چنین اطلاقی نباشد، نوبت به برائت از تقیید به نیمه شب می رسد.

نتیجه گیری

۱. در میان عبادات، نماز و در میان نمازها، نافله شب سرآمد است. در آیات، روایات و سیره عملی ائمه علیهم السلام و عالمان نیز تأکید و سفارش فراوانی به این امر شده است.

۲. بزرگترین مانعی که سبب شده عدّه زیادی از علاقه مندان به نافله شب از فیض آثار و برکات آن محروم باشند و توفیق خواندن آن را نداشته باشند، اختصاص وقت آن به نیمه شب است.

۳. اقوال فقیهان شیعه درباره وقت نماز شب چنین است: الف. ثلث آخر شب تا طلوع فجر صادق؛ ب. از نیمه شب تا طلوع فجر صادق (مشهور فقیهان این قول را پذیرفته اند)؛ ج. در این نوشته قول سومی مطرح شده است: وقت نافله شب از اول شب تا طلوع فجر صادق است و نیمه شب به بعد، وقت فضیلت است.

۴. در این نوشته، ادله قول مشهور - که هفت دلیل است - به تفصیل مطرح و نقد شده است. در مقابل نیز هفت دلیل و مؤید بر قول سوم اقامه شده است. همچنین، روایات دال بر اینکه وقت نماز شب از نیمه شب تا طلوع فجر است، نخست، بر وقت فضیلت حمل شده اند؛ دوم، در صورت نپذیرفتن پاسخ نخست (حمل بر وقت فضیلت)، میان روایات دال بر اینکه وقت نافله شب اول شب است با روایاتی که دلالت دارند وقت نافله شب نیمه شب است، تعارض ایجاد می شود و چون مرجحی در کار نیست، تساقط پدید می آید و مرجع، عموم ادله ای است که درباره نوافل (از جمله نافله شب) به صورت مطلق وارد شده است؛ سوم، اگر نوبت به شک برسد، برائت از شرطیّت قید نیمه شب برای نافله شب جاری است.

پی نوشت:

۱. «لولا الذين ... يستغفرون بالأسحار لولا هم لأُنزلت عذابى.»
۲. «قال الصادق عليه السلام: ليس من شيعتنا من لم يصل صلاة الليل.»
۳. قال أبو جعفر عليه السلام: وقت صلاة الليل ما بين نصف الليل إلى آخره.
۴. وعنه، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن عمر بن أذينة، عن عده أنهم سمعوا أبا جعفر عليه السلام يقول: «كان أمير المؤمنين عليه السلام لا يصلّى من النهار حتّى تزول الشمس ولا من الليل بعدما يصلّى العشاء الآخرة حتى ينتصف الليل.»
۵. محمّد بن على بن الحسين بإسناده عن عبدالله بن مسكان، عن ليث المرادى قال: سألت أبا عبدالله عليه السلام عن الصلاة فى الصيف فى الليالى القصار صلاة الليل فى أول الليل؟ فقال: «نعم، نعم ما رأيت، ونعم ما صنعت، يعنى فى السفر.»
۶. وعنه، عن على بن رباط، عن يعقوب بن سالم، عن أبى عبدالله عليه السلام قال: سألته عن الرجل يخاف الجنابة فى السفر أو البرد، أيعجل صلاة الليل والوتر فى أول الليل؟ قال: «نعم.»
۷. وبإسناده عن الحسين بن سعيد، عن محمّد بن سنان، عن ابن مسكان، عن محمّد بن مسلم قال: سألته عن الرجل لا يستيقظ من آخر الليل حتّى يمضى لذلك العشر والخمس عشرة فيصلّى أول الليل أحبّ إليك أم يقضى؟ قال: لا، بل يقضى أحبّ إلىّ إنى أكره أن يتخذ ذلك خلقاً، وكان زراراً يقول: كيف تقضى صلاة لم يدخل وقتها؟ إنّما وقتها بعد نصف الليل.
۸. وبإسناده عن سعد، عن أحمد وعبد الله ابني محمّد بن عيسى، عن على بن الحكم، عن عبد الله بن بكير، عن زرار، عن ابى جعفر عليه السلام قال: إنّما على أحدكم إذا انتصف الليل أن يقوم فيصلّى صلاته جملة واحدة ثلاث عشرة ركعة.
۹. وعنه، عن محمّد بن أبى عمير، عن جعفر بن عثمان، عن سماعة عن أبى عبدالله عليه السلام قال: «لا بأس بصلاة الليل فيما بين أوله إلى آخره إلا أنّ أفضل ذلك بعد انتصاف الليل.»
۱۰. وبإسناده عن الفضل بن شاذان، عن الرضا عليه السلام - فى حديث - قال: «إنما جاز للمسافر والمريض أن يصلّى صلاة الليل فى أول الليل لاشتغاله وضعفه وليجزر صلاته فيستريح المريض فى وقت راحته، وليشتغل المسافر بشتغاله وارتحاله وسفره.»
۱۱. وعن على بن محمّد، عن سهل بن زياد، عن عمرو بن عثمان، عن محمّد بن عذافر، عن عمر بن يزيد، عن أبى عبدالله عليه السلام قال: قال: «إعلم أن النافلة بمنزلة الهدية متى ما أتى بها قبلت.»
۱۲. عبدالله بن جعفر فى (قرب الإسناد): عن عبدالله بن الحسن، عن جدّه على بن جعفر، عن أخيه موسى بن جعفر عليه السلام قال: «نوافلكم صدقاتكم فقدموها أنى شئتم.»
۱۳. محمّد بن على بن الحسين بإسناده عن معاوية بن وهب، عن أبى عبدالله عليه السلام أنّه قال: قلت له: إنّ رجلاً من مواليك من صلحائهم شكى إلىّ ما يلقى من النوم، وقال: إنى أريد القيام بالليل فيغلبنى النوم حتى أصبح فرمما قضيت صلاتى الشهر المتتابع والشهرين أصبر على ثقله، فقال: «قرّة عين والله، قرّة عين الله، ولم يرخص فى النوافل أول الليل»، وقال: «القضاء بالنهار أفضل.»
۱۴. وعنه، عن محمّد بن أبى عمير، عن جعفر بن عثمان، عن سماعة عن أبى عبدالله عليه السلام قال: «لا بأس بصلاة الليل فيما بين أوله إلى آخره إلا أنّ أفضل ذلك بعد انتصاف الليل.»
۱۵. عنه، عن محمّد بن عيسى قال: كتبت إليه أسأله: يا سيدى روى عن جدك قال: لا بأس بأن يصلّى الرجل صلاة الليل فى أول الليل؟ فكتب: «فى أى وقت صلى فهو جائز، إن شاء الله.»

١٦. وبإسناده عن محمد بن علي بن محبوب، عن إبراهيم بن مهزيار، عن الحسين بن علي بن بلال قال: كتبت إليه في وقت صلاة الليل، فكتب: «عند زوال الليل وهو نصفه أفضل، فإن فات فأوله وآخره جائز.»
١٧. وعنه، عن علي بن رباط، عن يعقوب بن سالم، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن الرجل يخاف الجنابة في السفر أو البرد، أيجل صلاة الليل والوتر في أول الليل؟ قال: «نعم.»
١٨. وعنه، عن محمد بن زياد، عن محمد بن حمران، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن صلاة الليل أصليها أول الليل؟ قال: «نعم إنى لأفعل ذلك، فإذا أعجلني الجمال صليتها في المحمل.»
١٩. وبإسناده عن صفوان، عن ابن مسكان، عن ليث قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الصلاة في الصيف في الليالي القصار، (صلاة الليل) في أول الليل؟ فقال: «نعم، نعم ما رأيت، ونعم ما صنعت.»

کتابنامه

* قرآن

۱. بنی هاشمی خمینی، سید محمد حسن (۱۳۸۳)، توضیح المسائل مراجع، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ نهم.
۲. بهاری همدانی، شیخ محمد (۱۳۸۴ق)، تذکرة المتقین، مشهد، آستان قدس رضوی؛ بنیاد پژوهش های اسلامی.
۳. تبریزی، جواد (۱۴۳۱ق)، تنقیح مبانی عروة، قم، دارالصدیقة الشهیدة علیها السلام.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۴۱۵ق)، کتاب الصلاة، قم، مؤسسة نشر الإسلامی.
۵. حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۰ق)، وسائل الشیعة، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۶. حکیم، سید محمد حسن طباطبائی (بی تا)، مستمسک العروة الوثقی، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۷. خوئی، ابوالقاسم (۱۳۸۶)، منهاج الصالحین (مع فتاوی آية الله وحید خراسانی)، قم، مدرسه باقر العلوم علیه السلام.
۸. _____ (۱۴۲۶ق)، المستند فی شرح العروة، قم، مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئی، چاپ دوم.
۹. سید مرتضی (علی بن حسین بن موسی) (۱۴۱۷ق)، مسائل الناصریات، به تحقیق مرکز البحوث و الدراسات الإسلامیة، قم، رابطة الثقافة والعلاقات الإسلامیة؛ مدیریة الترجمة والنشر.
۱۰. شیخ صدوق (۱۴۱۸ق)، الهدایة، قم، مؤسسة الإمام الهادی علیه السلام.
۱۱. _____ (۱۹۹۴م)، من لا یحضر الفقیه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۱۲. شیخ طوسی (محمد بن حسن) (۱۴۱۱ق)، الخلاف، قم، مؤسسة النشر الإسلامی.
۱۳. _____ (۱۴۱۲ق / ۱۹۹۲م)، تهذیب الأحکام، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۱۴. صاحب جواهر (محمد حسن نجفی) (۱۳۶۲)، جواهر الکلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۱۵. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۹۰)، المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.

١٦. طباطبائی یزدی، سید کاظم (١٤٠٩ق)، العروة الوثقی (طبع قدیم)، ج ١، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
١٧. عاملی، سید محمد موسوی (١٤٢٩ق / ٢٠٠٨م)، مدارک الأحکام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، مؤسسة آل البيت عليه السلام.
١٨. علامه حلی (حسن بن یوسف) (١٣٨٤)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
١٩. مجلسی، محمد باقر (١٤٠٣ق)، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
٢٠. ملکی تبریزی، میرزا جواد (١٣٩٤)، أسرار الصلوة، ترجمه رضا رجب زاده، تهران، پیام بهاران.
٢١. همدانی، آقارضا (١٤١٦ق)، مصباح الفقیه، قم، مؤسسة النشر الإسلامی.

